

به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن

بیانیه نشریه دانشجویی بذر

پنجشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۸۷

بیانیه نشریه دانشجویی بذر به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن

این طنین فریاد دختران دانشجو است، این صدای چپ دانشگاه است:

هشت مارس، روز جهانی زن، خوشامد باد!

در جامعه ای که ستم بر زنان در آن بیداد می کند، تحت نظام استبداد مذهبی که جایگاه فرودست زن را قانونی و شرعی کرده است، مقاومت و مبارزه دائمی علیه مردسالاری اهمیتی مضاعف یافته است. هر کس که رویای دنیایی متفاوت و آزاد از استثمار و ستم را در سر می پروراند باید به صف این مقاومت و مبارزه بپیوندد!

جنبش رهایی زنان از همان آغاز برقراری جمهوری اسلامی، از مراسم هشت مارس سال ۱۳۵۷ یعنی کمتر از یک ماه بعد از قیام بهمن، نظام طبقات استثمارگر که رخت جدید مذهبی بر تن کشیده بود را به مصاف طلبید. زنان مبارز و روشن بین در آن روز شعاری را فریاد کردند که فشرده یک حقیقت تاریخی بود: **ما انقلاب نکردیم، تا به عقب برگردیم!**

از آن روز تا به امروز، طبقه حاکمه با تیغ و اسید، قانون و زندان، شلاق و سنگسار، با آیه و روایت و حدیث، با حجاب اجباری و تجاوز و اعدام، هر کار که توانست کرد تا شاید این نیروی قدرتمند و بیدار شده را به بند کشد. اما چنین نشد. ارزش ها و باورهای کهنه جا نیفتاد؛ شرع در مقابل نوجویی و نواندیشی شکست خورد؛ ستم به مقاومت دامن زد؛ تار موی آشکار، قانون قرون وسطایی را به هیچ گرفت. نافرمانی زنان، رژیم را به آنجا رسانده که بعد از گذشت سی سال مجبور است شکست خود در اسلامیزه کردن جامعه را با گماردن نیروهای سرکوبگرش در کوچه و خیابان برای «تامین امنیت اخلاقی و اجتماعی» اعلام کند.

یکی از عرصه های موثر در جامعه که در طول تاریخ معاصر، صدای شورش و نوگرایی و مبارزه علیه ستم و استثمار را بازتاب داده، دانشگاه است. طی سال های اخیر، چپ دانشگاه همچون ققنوس از خاکستر سرکوب و کشتار خونین دهه ۱۳۶۰ سر بلند کرده، پرچم آگاهی و ترقیخواهی و شورشگری را برافراشته است. دختران دانشجو نیروی بزرگ و رو به افزایشی را در دانشگاه ها تشکیل می دهند. موقعیت این نیروی فزاینده، و جدال دائمی که میان اینان با حصارهای ستم و خفقان (و مشخصا ستم جنسیتی) در جامعه و محیط آموزشی جریان دارد، دانشگاه را به لحاظ عینی به مکان مهمی برای فوران جنبش زنان تبدیل کرده است. شرکت دختران دانشجو در شماری از رادیکال ترین اعتراضات دانشجویی چند ساله گذشته، حکایت از این ظرفیت انفجاری می کند. شعارهایی چون «ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا جنگیم» این رادیکالیسم را بازگو می کند.

مطرح شدن مساله ستم جنسیتی در راس شعارها و خواسته های جنبش دانشجویی و مبارزه علیه شکل های گوناگون این ستمگری در محیط های آموزشی، به واقع می تواند **هوایی تازه برای جنبش رهایی زن** را به ارمغان بیاورد. این مساله می تواند ضربه مهمی به تلاش رژیم برای تقویت پایه های ایدئولوژیک و احکام خرافی و قرون وسطایی اش در کل جامعه بزند. به علاوه، این مسئله می تواند نقش تعیین کننده ای برای مقابله با گرایشات اصلاح طلبانه ای داشته باشد که می خواهند جنبش زنان را مهار کنند و آنرا به راهروها و دالانهای چانه زنی آخوندها با یکدیگر وصل کنند و این دروغ بزرگ را به مردم حقنه کنند که "اسلام با حقوق زن تضادی ندارد" و از طریق آش نذری هم می توان به مطالبات زنان دست یافت.

حاکمان ستمگر به این واقعیت آگاهند و خطر را خوب حس کرده اند. امروز بخش مهمی از تبلیغات منظم رسانه ها و منابر جمهوری اسلامی به مسئله زنان و شیوه های مقابله با جنبش رهایی زن مربوط می شود. زنان هر روز بیش از گذشته به آماج تدابیر فریبکارانه هیئت حاکمه تبدیل می شوند و مشخصا در کارزارهای انتخاباتی و رقابت جناح ها و عده ها و دورنماهای ویژه ای برای آنان ارائه می شود. حرکت زنان و جهت گیری های سیاسی آنان، چنان وزنه سنگینی را تشکیل می دهد که قدرت های سرمایه داری امپریالیستی نیز برای پیشبرد منافع و اهداف خود در ایران، تدبیرها و سیاست ها و تبلیغات خاصی را برای زن امروز در نظر گرفته اند و می کوشند خود را صدای زن ستمدیده ایرانی جلوه دهند. آنان در مقابل نظام پوسیده جمهوری اسلامی، نظام پوسیده دیگری را قرار می دهند که در آن نیز زن مایملک مرد بوده و مجبور به تبعیت از حق مردانه است.

در جمهوری اسلامی، سرکوب زنان مهمترین رکن ایدئولوژی و ابزاری برای تقویت بنیادگرایی اسلامی در منطقه است. به همین دلیل سرکوب زنان جزیی از کارکرد دائمی و روزمره این نظام است. از اینجاست که **جداسازی در کلاس های درس و کتابخانه** انجام می گیرد؛ از اینجاست که **مقامات متجاوز و هرزه دانشگاهی** از تعقیب قانونی مصون می مانند و قربانیان تجاوز از میان دختران دانشجو به شکل های مختلف سرکوب یا به سکوت کشانده می شوند؛ از اینجاست که با **اعمال فشار روحی** و بهتان زنی های تبهکارانه، بسیاری از دختران دانشجو را به ورطه **خودکشی** می رانند؛ از اینجاست که حراست را در خوابگاه ها به جان دختران می اندازند و **دوربین های هیز جاسوسی** را برای واری سر و وضع دختران حتی درون حصار خوابگاه به کار می اندازند؛ از اینجاست که **طرح سهمیه بندی دختر و پسر** در رشته های تحصیلی، یا **طرح بومی گزینی** را به اجراء می گذارند تا از حضور هر چه بیشتر دختران در دانشگاه و نیز خروج آنان از محدوده های تنگ و خفقان آور شهرستان های سنتی و قیود سنتی خانواده، جلوگیری کنند.

همه این ستم ها می تواند و باید آماج مبارزه ما باشد. برای اینکه چنین مبارزه ای موثر و موفق به پیش برود، نه فقط جنبش دانشجویی و به ویژه **بخش چپ** آن باید اهمیت حیاتی مساله را درک کند و سیاست ها و شعارهای متناسب با آن را به کار بگیرد، بلکه **خود دختران دانشجو باید با شجاعت و ابتکار عمل در صف همه مبارزات جاری حاضر شوند و نقش پیشرو خود را در آنها تثبیت کنند.** دختران دانشجو مبارزه سختی برای در هم شکستن باورهای کهنه و اخلاقیات سنتی منجمله در ذهن پسران درون جنبش دانشجویی پیش رو دارند. این مبارزه و این ایفای نقش میسر نخواهد شد، مگر با **متشکل شدن دختران دانشجو** و در گام اول پیشروترین و آگاهترین آنان در

تشکل های متنوعی که مشخصاً ستم جنسیتی را در عرصه های مختلف نشانه بگیرد. فقدان چنین تشکل هایی یک کمبود آشکار و مهم در جنبش دانشجویی (و جنبش رهایی زنان) است. این تشکل ها نمی توانند **قانونی** باشند و با **علمی گرایی افراطی** و خوشخیالی نسبت به دستگاه امنیتی خود را پایدار و سالم نگهدارند. رژیم سرکوبگر به اینها رسمیت نخواهد بخشید و به شکل های مختلف برای جلوگیری از سازمان یافتن و گسترش آنها تلاش خواهد کرد. اما همانطور که تجربه مبارزات در سراسر دنیا نشان داده، با پیگیری و استقامت و ابتکار عمل می توان سرکوبگران را عقب نشان داد و با جلب حمایت توده ها (در دانشگاه و در جامعه)، حیات و فعالیت چنین تشکلهایی را در عمل تضمین کرد. مبارزه برای ایجاد چنین تشکلهایی، در درجه اول نیازمند شالوده فکری صحیح است. این امر هم برای تداوم مبارزه متشکل دختران دانشجو و هم تضمین جهت گیری صحیح آن ضروریست. فعالین چپ دانشگاه زمانی قادر به ایفای نقش در این زمینه هستند که درک درستی از ساختار واقعیت مسئله ستم بر زن داشته باشند. ساختاری پیچیده، چند وجهی و چند لایه که با ستم طبقاتی در هم تنیده شده و از آن جدایی ناپذیر است. ساختاری که امروزه نیروی قدرتمندی را در ایران و جهان به میدان آورده که بدون تکیه بدان تغییر جهان و محور نظام ستم و استثمار قابل تصور نیست. فعالین چپ بدون اتکا به تئوریهای علمی و پیشرفته ای که طی تجارب انقلابی و مبارزات مهم عملی و نظری در قرن گذشته حاصل شده، قادر به ایفای نقش پیشرو در جنبش زنان نیستند. **دامن زدن به بحث جمعی حول پیشرفته ترین تئوریهای علمی و کمونیستی در مورد مسئله زن امری ضروریست. ارتقا آگاهی فمینیستی هر فعال چپ بخشی از ارتقا آگاهی کمونیستی اوست.**

این امر در زمینه تجارب سامان یابی جنبش زنان نیز صادق است. نه تنها باید به این تجارب تکیه کنیم بلکه باید به تکیه به دانش و تجارب مبارزاتی فردی و جمعی دختران دانشجو و تحلیل مشخص از شرایط مشخص به فرمهایی معین از تشکل و دامن زدن به اشکال مشخص از مبارزه دست یابیم و راه را برای تغییرات اساسی در جامعه هموار سازیم.

برچیده باد جداسازی جنسیتی، حجاب اجباری، قوانین زن ستیز!

برچیده باد طرح سهمیه بندی و بومی گزینی جنسیتی!

دست حراست از دختران دانشجو کوتاه!

دانشگاه پادگان نیست، مسجد نیست، گورستان نیست!

زنده باد هشتم مارس، روز جهانی زن!

نشریه دانشجویی بذر

اسفند ماه ۱۳۸۷